



۸ مارس
روز جهانی زن



هشت مارس را به بسیج گسترده علیه سرمایه تبدیل کنیم

زن بعنوان یک عنصر تاریخی اجتماعی، نه فقط در رابطه با جنسیت بیولوژیکی، که تاریخا یک پدیده اجتماعی است که در عرصه های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، مهر طبقاتی بر آن نقش بسته و خود را بنمایش میگذارد. در این رابطه بر زنان طبقات فرودست، علاوه بر ستم جنسی، ستم طبقاتی نیز اعمال میگردد. لذا در جنگ طبقه علیه طبقه، آزادی زن، در گرو آزادی از مناسبات طبقاتی است. جایگزین شدن مردسالاری با زن سالاری و یا مادر سالاری، دست بدست شدن مناسبات طبقاتی است و در اصل ستم طبقاتی و ستم جنسی تغییری ایجاد نخواهد کرد. آنچه در این رابطه مهم است، رهایی از مناسبات طبقاتی جاری است. در مناسبات سرمایه داری و اعمال سیستم مردسالاری که در تطابق با آن قرار دارد، زنان کارگر و زحمتکش، کسانی هستند که:

- _ در کارخانه استثمار میشوند.
- _ در کارخرفت کننده و تکراری بی مزد روزانه در خانه، بنده وار به خدمت گرفته میشوند.
- _ ودر تولید مثل درجهت بقا نسل که از جان و عاطفه خود مایه میگذارند، به تولید نیروی کار برای سرمایه مشغولند

قرار گرفتن زنان کارگر در این سیستم طبقاتی مردسالارانه، نتیجه مستقیم اعمال قدرتی است که توسط سرمایه بکار گرفته میشود و با پیشرفت سرمایه و همپای آن، باید بعنوان یک ابزار زنده اعمال قدرت، تولید و باز تولید گردد. ابزار قدرتی که در هر زمان و مکان، ویژگی خاص خود را بشکلی در تعصبات ملی، قومی، زبانی، فرهنگی و منطقه ای تولید میکند تا بهتر بتواند سیستم مرد سالاری را با نظام طبقاتی جاری همساز کند.

بعنوان مثال :

تفکر مرد سالاری ولایت فقیه، تفکری است که در همه عرصه های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، خود را بنمایش میگذارد و خطی بین زن و مرد میکشد تا بهتر بتواند اعمال قدرت کند. اعمال قدرت در دولت، قانون، علم، سیاست، هنر، فرهنگ، موسیقی، تکنولوژی و حتی لباس و تا آنجا پیش میرود که در مسائل ذوقی و شخصی افراد دخالت میکند. بطوری که حتی نوع آرشیتکت و مهندسی آپارتمانها باید تغییر کند تا کسی نتواند از بیرون، داخل خانه را نگاه کند و یا مجارات سنگسار را مجاز میداند و قتلهای ناموسی را بدست پدر و مادر، حق مسلم آنها قلمداد میکند

در شرایطی که سرمایه جهانی است، مناسبات طبقاتی مردسالاری نیز جهانی است و ستم طبقاتی و ستم جنسی بر زنان طبقه کارگر و زحمتکش نیز پدیده ای جهانی است.

رهایی از ستم جنسی، قومی، ملی، دینی و فرهنگی مستلزم انترناسیونالیستی است که بتواند در عرصه بین المللی در جهت رهایی از مناسبات طبقاتی جاری بر جهان گام بردارد. مناسباتی که سرچشمه تولید و باز تولیدش، سرمایه جهانی است.

ما از رهایی زنانی صحبت میکنیم که در کشور های پیشرفته صنعتی بدلیل ظرافت انگشتان خود که میتواند بارآوری بسیار بالا در خدمت سرمایه قرار گیرد، در شرکتهای چند ملیتی داروسازی، الکترونیکی، و کامپیوتر و غیره استثمار میشوند.

ما از رهایی تمامی زنانی صحبت میکنیم که با کار طاقت فرسا در شالیزارها و مزارع به کمر درد و رماتیسم دچار گشته اند

ما از رهایی زنانی صحبت میکنیم که خانواده خود را در لهستان و بلغارستان و رومانی ترک کرده و برای بدست آوردن حد اقل معیشت خود و خانواده در کشورهای اروپای غربی به پست ترین و سخت ترین مشاغل، در کارخانه ها و مزارع مشغول کارند بدون اینکه از حد اقل امتیازات رفاهی محلی برخوردار باشند.

ما از رهایی زنان و دخترانی صحبت میکنیم که در کارگاههای فرشبافی در ایران، هندوستان، پاکستان و ترکیه و غیره بشدت استثمار میشوند و به بیماریهای آسم دچار شده و کوچک شدن لگن خاسره آنها، در اثر نشستن زیاد در طول روز که باعث میشود اکثر آنها هنگام زایمان، سر زای برونند.

ما از رهایی حدود هفت میلیون زن فیلیپینی صحبت میکنیم که برای کار خانگی و صنعت تفریح و سرگرمی به خارج میروند و منبع اصلی کست درآمد ارزی برای کشور فیلیپین هستند و ستم دو گانه بر آنها روا میشود.

ما از رهایی کلیه زنان کارگر جهان صحبت میکنیم که تحت ستم طبقاتی و جنسی، مجبورند روزانه در خارج از خانه استثمار شوند، در خانه بنده وار به خدمت گرفته شوند و منبع تولید مثل آینده باشند. و با اعمال سیستم مردسالارانه سرمایه داری هرچه بهتر و بیشتر بصورت کالا درآیند و خرید و فروش گردند.

تقلیل دادن رهایی زن به رهایی از ستم جنسی، ما را در مقابل این سنوال قرار میدهد که: از نظر سیاسی اگر زنان در یک نظام طبقاتی د رمسند قدرت قرار گیرند بعنوان مثال از نظر عملکردی چه فرقی است بین خانم تاجر و آقای چرچیل بعنوان نخست وزیران انگلیس و یا خانم رایس و آقای پاول بعنوان وزرای خارجه آمریکا و زنی که در زندان ابوغریب عراق، زندانیان را شکنجه میکند و شکنجه گران مرد در زندان اوین در ایران؟

در تولید و باز تولید اعمال قدرت مردسالارانه سرمایه، سرمایه در جهت هرچه بیشتر کالا شدن زن در این مناسبات گام برمیدارد و ارزش زن را تا آن حد میداند که بتواند به بهترین شکل خود را بصورت کالایی در آورد که هم کارا و ارزان باشد و هم قابل دسترس و مطیع. از طرف دیگر شرایطی را بوجود آورده که زن علاوه بر کالا شدن بعنوان نیروی کار، بتواند تن خود را نیز بعنوان کالا در مقابل مبلغ ناچیزی بفروشد.

اهمیت روز جهانی هشت مارس در شعار انتخاب شده در سال ۱۹۱۰ در دومین کنفرانس بین المللی زنان کارگر سوسیالیست است که با توجه به سطح مبارزه طبقاتی آن زمان این چنین بود که:
((حق رای برای زنان، نیرویمان را در مبارزه برای سوسیالیسم متحد خواهد کرد.))
در آن سالها مسئله دموکراتیک تر کردن پارلمان یعنی گسترش حق رای و انتخاب شدن بطوریکه شامل زنان نیز گردد، امری حیاتی بود.
و در این کنفرانس بود که کلارازتکین مسئله سازمان دادن بین المللی زنان را مطرح کرد.

بهمن ۱۳۸۴



کمونئیستهای انقلابی

www.k-en.com
info@k-en.com